بولتن مجازی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر
فجر نامه
شماره دو- جمعه ۱ دی ۹۶

با حبیب ایل‌بیگی از سال‌های مدیریت سینمای رسانه‌ها تا ماجرای اختتامیه جشنواره ۲۸

سینمای رسانه جای هر علاقمند به سینما نیست

پرویز پرستویی؛ رکورددار سیمرغ بازیگری نقش اول مرد

دوره‌ات هیچ‌گاه تمام نمی‌شود مربی!

انتخاب ده مستند برای رسیدن به دو فیلم

یکی از اصلی‌ترین خبرهای هفته سپری شده در ارتباط با جشنواره، معرفی فیلم‌های مستند برای رقابت در بخش سودای سیمرغ بود. دبیر جشنواره در یادداشتی به مناسبت پایان کار هیات انتخاب بخش مستند نوشت:«امیدوارم مستندهای منتخب هیات انتخاب جشنواره سی و ششم فجر که علاوه بر تاکید بر کیفیت، با توجه به گونه‌های موضوعی و متنوع از تولیدات اخیر انتخاب شده‌اند، در برداشتن گام‌های آغازین برای فرهنگ‌سازی در حوزه مستندهای سینمایی موفق عمل کند که صد البته این گام‌ها، می‌بایست به سمت اکران این آثار حرکت کند؛ البته مستند سینمایی بخش کوچکی از سینمای مستند است و سینمای مستند نیز در همه ابعادش، متعلق به سینمای آینده این سرزمین است».

«آبی به رنگ آسمان»،«بانو قدس ایران»،«ترور سرچشمه»،«در جستجوی فریده»،«در گرداب انقراض»،«رزم‌آرا، یک دوسیه‌ی مسکوت»،«زنانی با گوشواره‌های باروتی»،«فریاد رو به باد»،«ملوانان تنها به دریا نمی‌روند» و «وه انتیوک شاپور» ده مستندی هستند که امسال پس از بازبینی توسط هیأت انتخاب بخش سودای سیمرغ، حداقل دو فیلم از بین آنها به سودای سیمرغ اضافه خواهد شد و بر اساس آئین‌نامه جشنواره امسال، دست‌اندرکاران این فیلم‌ها در رشته‌های مختلف مورد قضاوت داوران قرار خواهند گرفت.

سینماهای جشنواره رونمایی می‌شود

هر سال دی ماه؛ برای بسیاری از مخاطبان جدی سینما آغازگر اتمسفر نوستالژیک جشنواره فیلم فجر است. مقطعی که با اعلام اسامی سینماهای مردمی جشنواره، برنامه‌ریزی «عشق فیلم‌ها» برای حضور در صفحای جشنواره‌ای شروع می‌شود و آنها برنامه‌ریزی می‌کنند تا در سینمای مورد علاقه خود، به تماشای آثار جشنواره بنشینند. هرچند در سال‌های اخیر به دلیل پیش‌فروش اینترنتی، دیگر مانند دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خبری از صف‌های طویل جشنواره نیست اما هنوز هم وقتی مردم با فیلمی ارتباط برقرار کنند، سئانس‌های فوق‌العاده نشانه میزان استقبال مردم از فیلم‌های مختلف در زمان جشنواره خواهد بود. امسال هم طبق اعلام محمدرضا فرجی مدیر امور سینماهای سی و ششمین جشنواره فیلم فجر، پس از بررسی گزینه‌های موجود از نظر شرایط فنی، محیطی و موقعیت جغرافیایی؛ تا اوایل دی ماه سینماهای این دوره جشنواره معرفی خواهد شد.

گسترش حضور هنرمندان در سینماهای مردمی

در دو سال گذشته پردیس سینمایی ملت به عنوان کاخ مردمی جشنواره معرفی شده بود و مخاطبان با حضور در این سینما می‌توانستند با هنرمندان محبوب خود دیدار کنند، اما ستاد برگزاری جشنواره امسال در راستای افزایش شور و نشاط بیشتر تصمیم به حذف یک مکان واحد به عنوان کاخ مردمی گرفته تا هنرمندان حضور گسترده‌تری در سینماهای مردمی داشته باشند. در راستای این سیاست قرار است امسال برای نمایش هر فیلم در سینماهای مردمی عوامل آن در سینماها حاضر شده و علاوه بر معرفی عوامل طی مراسمی خاص در پایان نمایش فیلم نیز، عوامل با حضور بر روی صحنه با مخاطبان به گفت‌وگو بپردازند.

خوشبختانه نخستین شماره بولتن مجازی جشنواره فجر، بازتاب خوبی در بین رسانه‌های مختلف داشت و همکاران رسانه‌ای ما خبر انتشار آنرا در رسانه‌های خود پوشش دادند. اما برای مخاطبان جشنواره فجر باید بگوئیم که «فجرنامه» علاوه بر انتشار در کانال تلگرامی و سایت جشنواره فجر؛ در سایت سینماتیکت نیز در دسترس خواهد بود و روزهای جمعه می‌توانید با مراجعه به این سایت «فجرنامه» را دریافت کنید.

سینماتیکت

«فجرنامه» را از سینماتیکت بخوانید

بازگشت جایزه فیلم کوتاه و رقابت چهار فیلم برای سیمرغ بلورین

پس از دو سال، مجددا شاهد اضافه شدن سیمرغ فیلم کوتاه به جوایز جشنواره ۳۶ خواهیم بود. تصمیمی که از اولین روزهای انتخاب ابراهیم داروغه‌زاده و مذاکره با اعضای انجمن فیلم کوتاه گرفته شد و حالا قرار است چهار فیلم برای دریافت سیمرغ بهترین فیلم کوتاه در جشنواره با یکدیگر به رقابت بپردازند. «مارلون» به کارگردانی وتهیه‌کنندگی درناز حاجی‌ها، «حیوان» به کارگردانی بهمن و بهرام حاج ایوان لوارک) و تهیه‌کنندگی مدرسه ملی سینمای ایران، «وقت ناهار» به کارگردانی علیرضا قاسمی و تهیه‌کنندگی حلقه فیلمسازان بی کلام گلوب و علیرضا قاسمی و «فاش» به کارگردانی احسان مختاری و تهیه‌کنندگی بهنام عابدی و حامد حسینی سنگری چهار فیلمی هستند که توسط هیات داوران امسال بازبینی و در نهایت یکی از آنها صاحب سیمرغ بلورین جشنواره ۳۶ خواهد شد.

طبق آئین نامه سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر، هیأت داوران از میان نامزدهای بهترین فیلم‌های کوتاه داستانی جشنواره فیلم کوتاه تهران و جشن مستقل فیلم‌های کوتاه خانه سینما (حداکثر ۱۰ فیلم) که مدت زمان هر فیلم کمتر از ۱۵ دقیقه باشد یک فیلم را به عنوان فیلم برگزیده انتخاب و سیمرغ بلورین بهترین فیلم کوتاه را به کارگردان آن فیلم اهداء خواهند کرد.

خبر
فجر نامه
بولتن مجازی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر

اسامی فیلم‌های منتخب هیأت انتخاب مستند سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر متشکل از محمد آفریده، حبیب احمدزاده و فرهاد مهران‌فر اعلام شد. هر کدام از این فیلم‌های مستند در ژانرها و موضوعات متفاوتی است، یکی به تیم محبوب ایرانی‌ها پرداخته است و دیگری به شهر تاریخی و قدیمی. یکی به زندگی و سرگذشت زندگی سیاسیون و دیگری در جست‌وجوی خانواده گمشده‌اش. امسال قرار شده دو فیلم از ده فیلم منتخب توسط هیأت انتخاب بخش سودای سیمرغ، به این بخش راه یابد و در رشته‌های مختلف مورد قضاوت قرار گیرد.

ده مستند در سودای سیمرغ ۳۶

از زندگی همسر امام(ره) تا ماجرای ترور سرچشمه

آبی به رنگ آسمان

مستند تاریخ باشگاه استقلال با نام تازه «آبی به رنگ آسمان» که نام قبلیش «۴فینال آسیا» بود، توسط امیر رفیعی کارگردانی و تهیه شده است، که پیش‌تر مستند «من ناصر حجازی هستم» را ساخته بود.فرهاد اصلانی بازیگر مطرح سینما نیز راوی اصلی این مستند است و به جز او، همایون ارشادی و سیامک انصاری از دیگر راویان این فیلم هستند. رضا یزدانی هم، ترانه تیتراژ پایانی این فیلم را خوانده است تا مستند تاریخ باشگاه استقلال نیز همچون «من ناصر حجازی هستم» با گروهی باز هنرمندان سرشناس آماده نمایش باشد.

بانو قدس ایران

مستند «بانو قدس ایران» به کارگردانی مصطفی رزاق کریمی است. بدون شک در مورد شخص حضرت امام(ره) و همسر ایشان ساخت یک فیلم نمی تواند همه را راضی کند و باید فیلم‌های زیادی در این باره ساخته شود. امکان ندارد در یک فیلم همه جزئیات زندگی چند ساله فردی تعریف شود. اما این مستند حاصل سه سال تلاش یک گروه فیلمسازی است که در ۸۰ دقیقه خلاصه شده است.در این فیلم مهم‌ترین فرازهای زندگی همسر امام(ره) روایت شده است و برای اولین بار برخی تصاویر از زندگی خصوصی بنیانگذار انقلاب اسلامی نشان داده می‌شود.

ترور سرچشمه

«ترور سرچشمه» به کارگردانی محمدحسین مهدویان، ماجرای هفتم تیر ۱۳۶۰ را روایت می‌کند. این مستند درباره به شهادت رسیدن جمعی از رهبران حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ است که به بررسی واقعه تاریخی شهادت آیت‌الله سیّدمحمد بهشتی و ۷۲ تن از یارانش منجر شد.

در جستجوی فریده

«در جستجوی فریده» به کارگردانی آزاده موسوی و کوروش عطایی، این مستند درباره فردی به نام فریده است که چهل سال پیش توسط زوجی هلندی به فرزندی گرفته شد. او برای اولین‌بار به ایران سفر می‌کند تا زادگاهش را ببیند و خانواده واقعی‌اش را بیابد.

در گرداب انقراض

ایران تنها دارنده، گربه سان منحصر به فرد در بین کشورهای آسیا است اما اکنون در خطر انقراض قرار گرفته است. فتح‌الله امیری کارگردان این مستند به این گربه‌سان پرداخته، که او از سال‌های گذشته با ساخت و نمایش فیلم‌های زیست محیطی از جمله در جستجوی پلنگ ایرانی، حیات در رگ‌های سرد، محیطبان و پلنگ، دهها جوایز داخلی و بین‌المللی را کسب کرده است.

رزم‌آرا، یک دوسیه‌ی مسکوت

رزم‌آرا، یک دوسیه‌ی مسکوت، به کارگردانی سیداحسان عمادی است که پس از یک سال تحقیق و نگارش فیلمنامه، مصاحبه با بازماندگان دوره نخست‌وزیری سپهبد علی رزم‌آرا انجام شد. با توجه به گذشت ۶۵ سال از آن دوران و سن بالای ۸۵ سال افراد بازمانده، مصاحبه با این افراد دشوار بود. تمامی صداها و گزارش بازجویی‌های آن دوره جمع‌آوری شده و در طول مستند علاوه بر پرداختن به زندگی رزم‌آرا سرنخ‌هایی از ترور او ارائه داده شده است.

زنانی با گوشوارەهای باروتی

«زنانی با گوشواره‌های باروتی» به کارگردانی رضا فرهمند است. در این مستند با «نور» ژورنالیست جنگ همراه می‌شویم. او با همه مخاطره‌ها و فشارهای اجتماعی که برای حضورش در جنگ با داعش وجود دارد مصرانه مبارزه می‌کند، پابه پای رزمندەها پیش می‌رود و گزارش می‌گیرد. او به کمپ پناهجویی بیوەها و کودکان داعشی می‌رود تا روایت‌های پوشیده و احساسات کشته شده آنها را به تصویر بکشد، اما روایت زنانگی نور از جنگ همین‌جا به پایان نمی‌رسد.رویکرد این مستند پرداختن به زنان و کودکانی است که در جنگ با داعش بودند.

ملوانان تنها به دریا نمی‌روند

«ملوانان تنها به دریا نمی‌روند» به کارگردانی الله‌کرم رضایی‌زاده است.این فیلم با اشاره به افتخارات تیم فوتبال ملوان بندرانزلی در طول تاریخ شکل‌گیری، روایت‌گر دلبستگی و همدلی کم‌نظیر اهالی بندرانزلی از هر قشر و شغلی، به این تیم محبوب و ریشه‌دار است. در واقع می‌توان گفت در این مستند به بُعد اجتماعی و جامعه شناختی تیم فوتبال و هواداران آن پرداخته‌اند.ملوان مکتب استعدادیابی و معرفی بزرگانی همچون غفور جهانی، مرحوم سیروس قایقران، محمد احمدزاده و اخیراً سید جلال حسینی و سعید عزت‌الهی بوده است.

وه انتیوک شاپور

«وه انتیوک شاپور» به کارگردانی سودابه مجاوری، است که این مستند بعد از شش سال تحقیق و پژوهش شهر باستانی «گندی شاپور» را به تصویر می‌کشد، نمایشی از کاخ‌هایی که بیش از ۱۷۰۰ سال پیش در خوزستان سربرآوردند اما امروز جای آن‌ها را زمین‌های مسطح که بیشتر مورد استفاده کشاورزان است، پُر کرده‌اند.

فریاد رو به باد مسکوت

مستند «فریاد رو به باد» به کارگردانی عطا مهراد و سیاوش جمالی، درباره دانش‌آموز نوجوان ساکن دروازه غار است و برای تغییر وضع و جامعه پیرامون خود قصد دارد خواننده شود. در این راه با مشکلات زیادی اعم از مخالفت والدین‌اش، بی‌پولی و نداشتن حمایت روبه‌رو می‌شود.

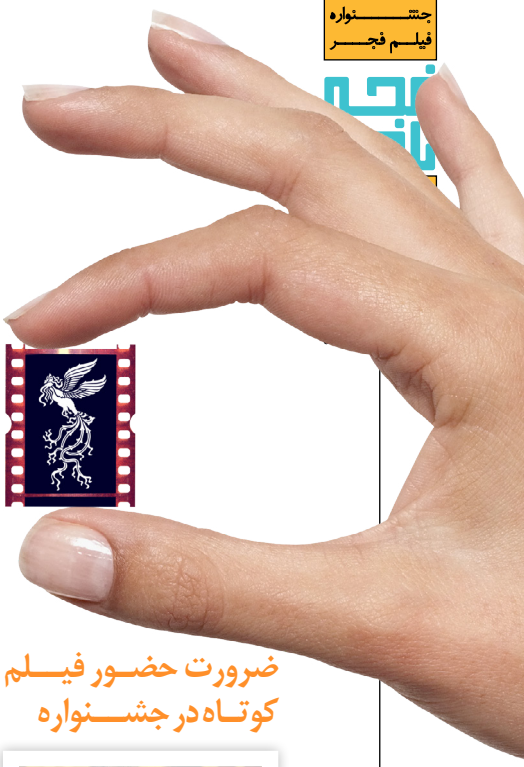

چهار دیدگاه درباره بازگشت سیمرغ فیلم کوتاه به جشنواره

فجر؛ حکم تثبیت در سینمای ایران

جشنواره فیلم فجر به‌عنوان مهم‌ترین و پرمخاطب‌ترین جشنواره سینمای ایران، بهترین موقعیت برای معرفی فیلم کوتاه در کنار دیگر قالب‌ها و تخصص‌های سینما و توجه به هنرمندان آن است. قطعا حضور و رقابت این بخش در جشنواره فجر مولد اعتباری دوجانبه است. فیلم کوتاه به نوعی جان سینماست. سینما به مثابه مقوله‌ای پیچیده، مجالی برای بیان دغدغه‌هاست و البته فیلم کوتاه به عنوان ارزشمندترین و خلاق‌ترین رسانه در این وادی می‌تواند بهترین کارکرد را داشته باشد. درباره بازگشت دوباره سیمرغ فیلم کوتاه به جشنواره ۴ دیدگاه را جویا شدیم.

مریم علی بابایی

ضرورت حضور فیلم کوتاه در جشنواره

هادی مقدم‌دوست کارگردان سینمای کوتاه و فیلمنامه‌نویس درباره سازوکار حضور فیلم کوتاه در جشنواره فیلم فجر می‌گوید: «یکی از ویژگی‌هایی جشنواره فجر معرفی افراد سینماگر به جامعه سینما است. اگر یکی از وظایف سازمان سینمایی جذب و حفظ هنرمندان سینماگر و تأمین نیروی انسانی باشد، این اداره یک ابزار موثر به نام جشنواره فجر برای این هدف دارد. در طول تاریخ در جشنواره فجر شاهد بوده‌ایم جایزه‌ای که افراد تحسین شده غیرحرفه‌ای گرفته‌اند، همانند حکم استخدام‌شان در سینما بوده است. یعنی این سنخ از جایزه گرفته‌ها، از بیست‌ودوم بهمن ماه به طور رسمی و با اعتبار مناسب معرف حضور همه افراد سینما شده است.»

بدون شک، اگر جشنواره فیلم فجر، بخش فیلم کوتاه داشته باشد، با انتخاب بهترین کارگردان فیلم کوتاه، راه را برای فیلمسازی آن فرد بسیار هموار می‌کند. اتفاقی که در جشنواره فیلم کوتاه تهران و یا جشن خانه سینما برای یک فیلمساز می‌افتد، بسیار موثر است اما قطعا به قدرت جشنواره فیلم فجر نیست. یعنی جشنواره فیلم فجر با برگزیدن و تحسین یک کارگردان فیلم کوتاه و یا فیلمبردار و یا حتی تدوین‌گر تازه‌کار می‌تواند از روز بیست و دوم بهمن‌ماه نیروی تازه وارد محیط حرفه‌ای سینما کند. مقدم‌دوست در ادامه معتقد است؛ «حضور فیلم کوتاه در جشنواره فیلم فجر، نشانه فهم ظرفیت‌های جشنواره فجر و نشانه روحیه بهره‌وری و منش مساعدت با مردمان است.»

مقدم‌دوست می‌گوید: «البته فقط قسمتی از سازوکار هویت‌بخشی به فیلم کوتاه، با تخصیص یک جشنواره بین‌المللی به آن و یا حتی تخصیص یک جشن در خانه سینما اتفاق می‌افتد اما حضور در فجر این هویت‌بخشی را به بالغ‌ترین و بالاترین حد ممکن می‌رساند. جشنواره فیلم فجر محل توجه همه سینماگران کشور است. یعنی در این ۱۰ روز همه حواس جمعیت سینماگران کشور به این رویداد سینمایی است، اما واقعیت در مورد جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه این‌گونه نیست. لازم می‌دانم که بگویم و متأسفم که این را می‌گویم، اما برخی از سینماگران حتی نمی‌دانند جشنواره فیلم کوتاه وجود دارد! طبعا تاثیر هویت‌بخش جشنواره فیلم کوتاه روی آنان هیچ است. حتی برخی جایزه خانه سینما را هم دنبال نمی‌کنند و فقط سیمرغ برایشان اهمیت دارد.»

مقدم‌دوست به واقعیت انکارنشدنی جشنواره فجر که محفلی برای هم‌گرایی و کانون توجه سینماگران است، اشاره دارد. او می‌گوید: «اگر بنا باشد هویت بخشی در فیلم کوتاه به حد اعلا برسد به‌گونه‌ای که خاطرمان جمع باشد، تکلیفمان را در مورد مطرح کردن و هویت بخشی‌اش کامل انجام داده‌ایم و مطمئنا، حضورش در جشنواره فجر واقعا ضروری است.»

تکمیل توازن جشنواره‌ای فیلم کوتاه

«**امیر توده‌روستا**» فیلمساز سینمای کوتاه درباره حضور فیلم کوتاه در جشنواره فجر، می‌گوید: «جشنواره فجر به عنوان مهم‌ترین جشنواره فیلم درایران، طبیعتا برای هر فیلمسازی صحنه آمال و آرزوهایش است.

به خصوص برای فیلمسازان نسل جدید و فیلمسازان فیلم کوتاه فرصتی خواهد بود تا آثارشان در این رویداد فرهنگی ـ هنری مهم کشور در کنار فیلم‌های بزرگان سینما مورد ارزیابی قرار بگیرد. مسلما این روند جشنواره‌ای در طول سال حائز اهمیت است یعنی اگر جشن خانه سینما در تابستان و جشنواره فیلم کوتاه در پاییز برگزار می‌شود، در زمستان هم جشنواره فجر می‌تواند توازن جشنواره‌ای فیلم کوتاه را تکمیل کند. باید مطمئن باشیم فیلمساز فیلم کوتاه در آینده، روی روند تغییرات یا اوج‌گیری سینمای بلند ایران تأثیر می‌گذارد.»

توده‌روستا که برای دیده شدن نخستین فیلم بلند سینمایی‌اش سه سال صبر کرد، درباره اهمیت دادن به فیلمسازان فیلم کوتاه در جشنواره فیلم فجر معتقد است: «اهمیت دادن به فیلم کوتاه در جشنواره فجر، در اهمیت دادن به فیلمسازان آتی تأثیر مستقیم دارد.»

نگاه مثبت به حضور در جشنواره

«**مسعود امینی‌تیرانی**» یکی از اعضای هیات مدیره انجمن فیلم کوتاه ایران، درباره حضور فیلم کوتاه در جشنواره فجر می‌گوید:

«جشنواره فجر به لحاظ سابقه و هویتی که سینماگران برای آن قائل هستند، پیشانی مهم‌ترین اتفاقات سینمایی است و از همین رو، فیلمسازان دوست دارند فیلم‌هایشان در جشنواره حضور داشته باشد. قطعا جشنواره‌ای که به صورت تخصصی در مورد فیلم کوتاه برگزار می‌شود جای خود را دارد اما حضور در مهم‌ترین اتفاق سینمایی سال، نکته بسیار مهمی است که امسال با نگاه مثبت و نظر مساعد دبیر جشنواره در آیین‌نامه قرار داده شده است و این اتفاق را باید به فال نیک گرفت.»

مگر می‌توان فیلم کوتاه را نادیده گرفت؟

«**سعید پوراسماعیلی**» فیلمساز سینمای کوتاه هم در این زمینه می‌گوید: «فیلم کوتاه داستانی، نزدیک‌ترین گونه به فیلم سینمایی است، در نتیجه در هر حرکتی که برای سینمای بلند طراحی می‌شود و قرار است در آن کلیت سینما موضوع و هدف باشد، حتما فیلم کوتاه داستانی در اولویت خواهد بود. اعتبار سینمای هر کشور تنها به فیلم‌های سینمایی آن کشور نیست، بلکه به مجموعه متنوع گونه‌های سینمایی آن است. سینمایی که می‌خواهد جریان ساز باشد و صدای خود را به جهان برساند و در بین غول‌های سینمایی دنیا عرض‌اندام کند، مگر می‌تواند فیلم کوتاه را نادیده بگیرد؟ در جشنواره فیلم فجر که یک جشن ملی و مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور است، جدایی فیلم کوتاه از آن اشتباه استراتژیک محسوب می‌شود که به ناقص شدن آن می‌انجامد. موضوع رقابت و مسابقه و تندیس جشنواره، فرع ماجراست ولی هویت اصلی یک رویداد سینمایی را نمی‌توان ناقص کرد. در نتیجه حضور فیلم کوتاه در جشنواره اتفاق خوبی را رقم می‌زند.»

پرویز پرستویی؛ رکورددار سیمرغ بازیگری نقش اول مرد

پرویز پرستویی حالا سال‌هاست که «حاج کاظم» دنیای سینمای ماست. کمتر کسی است که آن سکانس ماندگار فیلم «آژانس شیشه‌ای» را ندیده باشد و تکتک کلمات دیالوگ تکان‌دهنده حاج کاظم در ذهنش جا خوش نکرده باشد؛ نمونه‌اش آن‌جایی که می‌گفت:« می‌دونی یه گردان بره خط گروهان برگرده یعنی چی؟ می‌دونی یه گروهان بره خط دسته برگرده یعنی چی؟ می‌دونی یه دسته بره خط نفر برگرده یعنی چی؟»، آن لحن گفتار، آن تاکیدها و آن نگاه ماندگار هیچ‌گاه از یادها نرفت و ما از سال ۷۶ تا امروز، بارها این دیالوگ را با خودمان زمزمه کرده‌ایم و تصویر حاج کاظم را که با آن دست باندپیچی شده برای فاطمه‌اش نامه می‌نوشت و صدایش می‌زد، در حافظه‌مان نگه داشته‌ایم. این اما تنها هنرمندی سینمایی پرویز پرستویی نبوده که در حافظه علاقه‌مندانش ماندگار شده است. نگاهی به کارنامه سینمایی پُرافتخارترین بازیگر مرد سینمای ایران نمونه‌های این چنینی بسیار دارد؛ نمایش‌هایی که هر کدام‌شان بهانه‌ای برای رکوردارترین برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد دست و پا کرده تا هر بار به نوعی توانایی‌هایش را به منصه ظهور بگذارد.

صدف فاطمی

عکس: کورش جوان

دوره‌ات هیچ‌گاه تمام نمی‌شود مربی!

هم داشت؛ او حالا رکوردارترین بازیگر مرد ایرانی است که با بیشترین تعداد جایزه شامل ۴ سیمرغ، یک دیپلم، یک سیمرغ ویژه و یک لوح زرین در صدر جدول قرار دارد. پرویز پرستویی فعالیت هنری‌اش را سال ۴۸ با اجرای نمایش در مراکز رفاه، کاخ جوانان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد. سال ۵۳ برای بازی

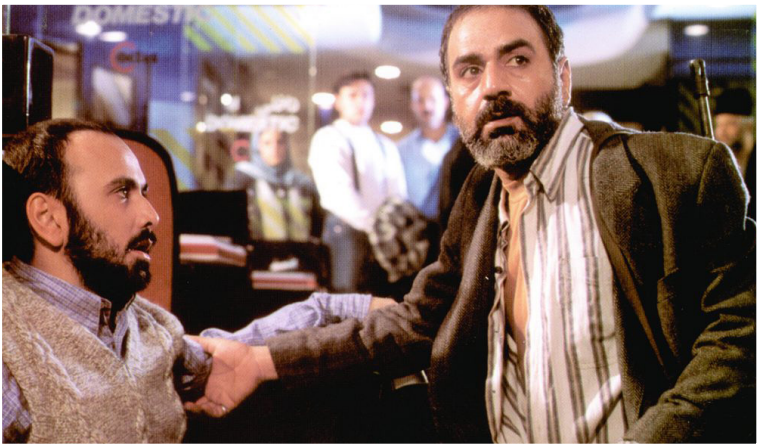

«در گذشته خبری از نهار و شام و پذیرایی نبود و همان که وارد سینما آزادی می‌شدیم، خدا را شکر می‌کردیم. از سه‌راه افسریه خودم را به آنجا می‌رساندم و آنقدر فیلم می‌دیدم که چشم‌هایم کاسه خون می‌شد ولی عشق، صداقت و مهربانی پشت آن بود و انس و الفت که الان نیست.» این بخشی از صحبت‌هایی است که پرویز پرستویی در آستانه برپایی سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر در گفتگو با خبرنگار ایسنا گفت. آن روزها هنوز خبری از چهارمین سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد در کارنامه پرویز پرستویی نبود و او که با فیلم «بادیگارد» در جشنواره سال ۹۴ حاضر شده بود، حتی جایی در صحبت‌هایش گفته بود که انتقاد از وضعیت جشنواره را تعبیر به تقاضا برای جایزه نکنید و اگر قرار است جایزه‌ای به من تعلق بگیرد آن را حذف کنید اما بیایید خودمان را اصلاح کنیم. بهرحال که با وجود تاکید پرویز پرستویی به این‌که جایزه‌ای برایش در نظر نگیرند، او سال ۹۴ برای چهارمین بار برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد برای فیلم «بادیگارد» شد، اما اوضاع جشنواره همان ماند و حتی به تعبیر خیلی‌ها بدتر هم شد.

اهدای چهارمین سیمرغ بلورین به پرویز پرستویی اما غیر از این‌که یک سیمرغ دیگر به قبلی‌ها اضافه کند، در کارنامه این هنرمند معنای دیگری

در نمایش دکه و یک سال بعد از آن برای بازی در نمایش تسلیم‌شدگان موفق به دریافت جایزه کاخ جوانان شد. آشنایی او با بهزاد فراهانی پایش را به «کوچ» باز کرد و بعد از آن در حوالی سال‌های ۵۲ تا ۶۲ نمایش‌های مختلفی را روی صحنه برد تا نامش بین طرفداران تئاتر خوش بدرخشد و یادها بماند. حوالی سال ۶۲ بود که برای اولین بار وارد دنیای سینما شد و فعالیتش را با فیلم «دیار عاشقان» آغاز کرد؛ همان سال و دقیقا با اولین فیلم سینمایی موفق به دریافت لوح زرین بهترین بازیگر نقش مکمل شد و خوش درخشید.

انگار سینما راه تازه‌ای پیش پای پرستویی باز کرده بود تا حالا به بهانه قصه‌هایی که روی پرده می‌روند، شخصیت هنری و استعدادهای سینمایی‌اش را به جان

مخاطبانش بنشاند. سال ۱۳۷۳ با «آدم برفی» و بعد از آن سال ۱۳۷۴ با بازی در فیلم «لیلی با من است» نقش‌های متفاوتی را تجربه کرد که باعث شهرت بیشتر او شد. همان سال برای بازی در نقش «صادق مشکینی» در فیلم «لیلی با من است» دیپلم افتخار جشنواره فجر را به دست آورد. نقطه اوج پرویز پرستویی اما به اعتقاد بسیاری از سینماگران، بازی در فیلم «آژانس شیشه‌ای» در نقش حاج کاظم بود. او برای بازی در این نقش سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد جشنواره فجر و دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول مرد جشنواره فیلم یوگسلاوی را به دست آورد. بعد از آن چند سالی کارنامه هنری پرویز پرستویی دچار سکوت خبری شد و حتی تلاش برای تکرار دوباره نقش حاج کاظم در فیلم «موج مرده» چنگی به دل نزد و هیچ‌کس نتوانست خودش را راضی کند که این همان حاج کاظم محبوبی است که بارها با تکرار دیالوگ‌هایش در «آژانس شیشه‌ای» در بزنگاه‌های خاص بغض‌ها قورت دادیم و اشک‌ها ریختیم.

هنوز به میانه سال ۸۰ نرسیده بودیم که ورق برگشت و یک بار دیگر پرویز پرستویی ثابت کرد که هنر هفتم حالا حالاها باید نمایش‌های دیدنی و ماندگارش را از هنرنمایی شخصیت سینمایی در قد و قواره پرویز پرستویی وام بگیرد. او سال ۸۳ با بازی در فیلم «بید مجنون» به کارگردانی مجید مجیدی و سال ۸۴ با بازی در فیلم «به نام پدر» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا موفق به دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد شد. بعد از آن نوبت به دو همکاری پی‌درپی با مازیار میری رسید که یکی به نام «پاداش سکوت» روی پرده آمد و دیگری نامش «کتاب قانون» بود. سال ۸۷ نوبت عبدالرضا کاهانی بود که با فیلم «بیست» شانس دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد جشنواره فیلم‌های هنری باتومی ۲۰۰۹ را به دست پرویز پرستویی برساند و سال ۹۲ فیلم «امروز» به کارگردانی رضا میرکریمی بود که جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره فیلم سان فرانسیسکو، جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره بین‌المللی سینمای مولف رباط و جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره فیلم جیپور را از آن پرستویی کرد. سرانجام سال ۱۳۹۴ بعد از ۱۰ سال و برای ششمین بار پرویز پرستویی با فیلم «بادیگارد» مقابل دوربین ابراهیم حاتمی‌کیا حاضر شد و در نقش حیدر ذبیحی به ایفای نقش پرداخت. او برای بازی در این فیلم برای چهارمین بار موفق به دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد شد و هوادارانش یک بار دیگر به پاس ابهت هنرمندی چون او کلاه از سر برداشتند و ساعت‌ها در سالن سینما تشویقش کردند. لابد بعد از تماشای «بادیگارد»، بسیاری از هواداران پرویز پرستویی پاسخ آن دیالوگ معروف رضا کیانیان را که در «آژانس شیشه‌ای» خطاب به پرویز پرستویی می‌گفت:«دوره‌ات گذشته مربی»، در خیال‌شان طور دیگری داده‌اند و با خودشان زمزمه کرده‌اند:« دوره‌ات هیچ‌گاه تمام نمی‌شود مربی!»

حوالی سال ۶۲ بود که برای اولین بار وارد دنیای سینما شد و فعالیتش را با فیلم «دیار عاشقان» آغاز کرد؛ همان سال و دقیقا با اولین فیلم سینمایی موفق به دریافت لوح زرین بهترین بازیگر نقش مکمل شد و خوش درخشید

پرویز پرستویی استاد است. استاد بازیگری

استادی لقب کسی است همچون بهرام بیضایی که واژه بسیار در انبان دارد و تصاویر بی‌شمار در ذهن ،چینش هر چند کلمه‌اش کنار هم یک اتفاق نمایشی است که باید خواند ،باید دید. استادی لقب کسی است مثل شاملو که از ترکیب چند واژه ساده عاطفه شاعرانه خفته‌ات را بیدار می کند و تپش قلبت رو به اوج می‌رساند .

استادی لقب کسی است همچون شجریان که گستره صدایش از فرش تا عرش است و تو را پرواز می‌دهد بر بال صدای جادویی‌اش.

و به حق استادی برازنده پرویز پرستویی است که همه خودش می‌شود نقش و دیگر او را نمی‌بینی.آنقدر دقیق و با ریزه کاری خلقش می کند که باورش می کنی ،همراهش می‌شوی و لحظه‌ها را فراموش می کنی .می روی تا ببینی بریده ای از داستان زندگی دیگران را،از "حاج کاظم" تا "رضا مارمولک" پهنه وسیعی است .که بازی در این گستره با این قدرت کار هر کسی نیست . پرویز پرستویی از آن جنس بازیگران کمیابی است که نقش را زندگی می کند و یا در طول مدت فیلمبرداری همراه شخصیت فیلمنامه‌ات می‌شود با او هم خانه می‌شود،برایش طراحی می کند ،به لحظه لحظه اش فکر می کند در ذهنش نموداری ترسیم می کند و همه فراز و فرود نقش را از روی کاغذ می‌داند.اما وقتی جلوی دوربین می رود دیگر نموداری در کار نیست و نه تکنیکی ،همه آنچه به آن اندیشیده ملکه ذهنش شده و حالا فقط حس است که از تمام سلولهای صورتش و بندبند وجودش بیرون می‌ریزد. برای همین هنوز در فیلم لس آنجلس –تهران مثل رضا مارمولک خودش از دیوار بالا می رود و یادت نمی‌آید و یادش نمی‌آید که سنش تغییر کرده است.همراهش می‌شوی از خنده تا گریه .

تجربه کار با او تجربه ناب استاد شاگردی است .می‌آموزی و لذت می بری وقتی نقشت جان می‌گیرد و جلوی دوربینت نفس می کشد و می شود همان که در ذهن داشتی حتی بهتر حتی خوش رنگ تر .

زیستن در عصر این بزرگان و افتخار همکاری با ایشان غنیمتی است .

تینا پاکروان

پرستویی به روایت سینماگران

ستاره‌ای که صدایش می‌زنند «عمو پرویز»

از اولین روزهای بازیگری‌ام پرویز پرستویی را با نام «دانشکده سیار بازیگری» شناختم. ایشان با تواضع و فروتنی همیشگی‌شان می‌گفتند مرا اینطور صدا نزن اما من حقیقتا اینطور فکر می‌کردم و اینطور فکر خواهم کرد. من همیشه از همبازی‌هایم چیزی یاد می‌گیرم؛ حتی اگر کارشان متوسط یا ضعیف باشد چه برسد به اینکه در کنار وزنه‌ای مثل آقای پرستویی باشم. من این شانس را داشتم که از اولین قدم‌های بازیگری در این موقعیت قرار بگیرم.

آقای پرستویی وقتی سر یک پروژه بود، فیلمنامه کار بعدی را حتی برای یک نگاه اولیه و سرسری هم باز نمی کرد. یادم می‌آید وقتی سر «دوئل» بودیم به خاطر لطف ایشان از همان اول صمیمیتی بین ما ایجاد شده بود و من در جریان بودم که فیلمنامه «کافه ترانزیت» به دستشان رسیده است. یک روز فیلمنامه را روی میزشان دیدم و سوال کردم چطور است؟ گفتند نمی‌دانم. اول فکر کردم دارند شوخی می کنند اما بعد فهمیدم واقعا نخوانده‌اند تا تمرکزشان حتی برای چند ساعت هم از نقشی که مشغول به آن هستند از بین نرود. این نکات ریز شاید در نظر کسی که دستی بر آتش سینما ندارد، مهم نباشد اما آنان که به این حرفه مشغولند خوب می‌دانند که چقدر ارزشمند است.

پرویز پرستویی یک تکنیک خاصی برای ارتباط با نقشش دارد و آن این است که فیلمنامه را رونویسی می کند. همه کلمات را به‌واسطه این نوشتن تحلیل می کند و به این ترتیب نقش را از آن خود می کند. چنین بازیگرانی در سینمای ایران زیاد نداریم و امیدوارم سایه‌شان تا سالها بر سر این سینما بماند.

بازیگران بزرگ وقتی در کنار کوچکترها قرار می‌گیرند پشت صحنه ارتباطی با او می‌گیرند تا استرسش بریزد و آقای پرستوی خودآگاه و ناخودآگاه چنین می کند. شاید برای همین است که همه او را صدا می‌زنند: عمو پرویز

کامبیز دیرباز

پرونده
فجر نامه
بولتن مجازی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر

با حبیب ایل‌بیگی از سال‌های مدیریت سینمای رسانه‌ها تا ماجرای اختتامیه جشنواره ۲۸

سینمای رسانه جای هر علاقمند به سینما نیست

از نخستین سالی که در سینمای «شهر قصه» یک ردیف به اهالی رسانه و منتقدان اختصاص داده شد تا سال ۸۶ که برای اولین بار ورود و خروج خبرنگاران و منتقدان به وسیله بارکد بر روی کارت‌های جشنواره کنترل شد تا حتی هشت سالی که برج میلاد محل سینمای رسانه‌ها معرفی شد، سینمای رسانه راهی طولانی را پیموده است. در این سال‌ها سینمای مطبوعات مکان‌های مختلفی را به عنوان میزبان به خود دیده است و امسال قراره شده در اد امه سیاست سال گذشته، سینمای مطبوعات با جلوگیری از حضور افراد متفرقه تبدیل به مکانی برای تبادل نظر و گفت‌وگو میان کسانی باشند که در فضای رسانه‌های سینمایی به معنای واقعی اثرگذار هستند. در تمام سال‌های گذشته سینمای رسانه شاهد اتفاقات ریز و درشتی بوده است و برخی از جنجالی‌ترین نشست‌های تاریخ جشنواره مثل «موج مرده» و «زمهریر» در سینمای رسانه‌ها اتفاق افتاده است. نشست‌هایی که در هر دو یک نام به عنوان مسول آن سال سینمای رسانه و روابط عمومی مشترک است و به همین دلیل به سراغ حبیب‌ایل‌بیگی رفتیم تا در خصوص ویژگی‌های سینمای رسانه‌ها، دلیل انتخاب برج میلاد برای میزبانی اهالی رسانه در سال ۸۸، ماجرای اختتامیه جشنواره ۲۸ و خاطرات تلخ و شیرینش از ۵ سال مدیریت روابط عمومی جشنواره فجر گفت‌وگو کنیم.

احسان هوشیارگر

عکس: معین باقری

شما ۵ دوره مدیریت روابط عمومی جشنواره را بر عهده داشتید. سال ۸۸ در آخرین دوره مدیریت شما بر روابط عمومی جشنواره، برج میلاد برای اولین بار به عنوان کاخ جشنواره معرفی شد. درباره معایب و محاسنش برج میلاد در این سالها همه صحبت کرده‌اند، اما هیچ وقت به صورت کامل عنوان نشده که چه دلیلی داشت که آن سال برج میلاد به عنوان کاخ جشنواره انتخاب شد. فکر می‌کنم بعد از ۸ سال می‌شود به دلایل واقعی این انتخاب اشاره کرد؟

من از سال ۸۴ مدیر روابط عمومی جشنواره بودم و به مدت ۵ دوره این مسولیت را برعهده داشتم، البته از سال ۷۷ هم مسئولیت سینمای مطبوعات را داشتم اما در طول سال‌هایی که جشنواره برگزار می‌شد هیچ وقت مکانی را به عنوان مرکز اصلی جشنواره نداشتیم و شاهد یک پراکندگی بودیم. مطبوعات،سینماگران،مهمانان خارجی و حتی مسئولین هرکدام در یک سینمای جداگانه بودند. اگر ما می‌خواستیم جشنواره را از نگاهِ مهمانان خارجی هم نگاه کنیم، مهمانان خارجی هیچ وقت مواجهٔ درست و تصویر دقیقی از جشنواره و ابعادش نمی‌دیدند چون همهٔ آنها یا در کانون پرورش فکری و یا در هتل لاله بودند و با خودشان دور هم جمع بودند. البته فیلم‌های ایرانی را در موزهٔ هنرهای معاصر یا موزه فرش می‌دیدند ولی ابعاد جشنواره را نمی‌دیدند.از آن طرف هم خبرنگاران و رسانه‌ها و منتقدین امکانِ اینکه بتوانند راجع به هر فیلم دیدگاه‌های خیلی از هنرمندان را داشته باشند هم به دلیل اینکه آنها در سینمای دیگری مشغول فیلم دیدن بودند نمی‌توانستند به دست بیاورند.پس نیاز بود ما یک جایی را به عنوان محل اصلی برگزاری جشنواره داشته باشیم که البته به دلیل محدودیت‌های سالنی، جایی را نداشتیم که بتواند همهٔ اینها را دور هم جمع کند. البته ما از سال ۸۶ـ۸۵ که برج میلاد در حال ساخت بود و مراحل پایانی ساختش را داشت طی می‌کرد، هر سال با هماهنگیِ مسئولیتی که آنجا بودند به برج میلاد سر می‌زدیم برای اینکه ببینیم چه زمانی آماده می‌شود؟ آیا به آن دوره جشنواره و آن سال می‌رسد که ما بیاییم از برج میلاد استفاده بکنیم یا نه؟ یادم است سال ۸۸ یک روز آقای مسعودشاهی که دبیر جشنواره بودند به من زنگ زدند تا به اتفاق آقای شمقدری(معاون سینمایی وقت) برای بازدید به برج میلاد برویم. البته برج میلاد و مرکز همایش‌ها هنوز زیر بار کار و برنامه و فعالیت نرفته بود و خیلی خام بود ولی به لحاظ امکاناتی که داشت برای برگزاری جشنواره مناسب بود. آقای شمقدری از من نظر خواست و گفت نظر شما چیست؟ که من گفتم فوق‌العاده است. البته دوستان بین-الملل ما آن زمان بسیار مخالف خروج داوران خارجی از محل سابق بودند و نگران بودند نظمی که همیشه آنها داشتند بهم بخورد. شاید چندین جلسه در جلسات شورای مدیران جشنواره خیلی سفت و سخت چالش داشتیم که اینجا را به نوعی تثبیت کنیم برای اینکه جشنواره در برج میلاد برگزار شود.

چند بار هم به دعوت مدیران چندین نفر از صدابرداران سینما آمدند تا صدای سالن را تست کنند.

بله. یادم است مشکلات بسیار زیادی به لحاظ صدایی آنجا داشت که تیمی از جشنواره رفتند مستقر شدند تا بتوانند مشکلات صدای آنجا را برطرف بکنند، چون جدای از امکانات محیطی فوق‌العاده برج میلاد به دلیل فراهم نبودن زمینه‌های فنی رفتن به آنجا واقعا یک ریسک بود ولی در آن سال خاص به نظرم شاید بهترین تصمیم بود که ما می‌توانستیم همه در یک جای شیک و خوب دور هم جمع شوند و در یک سالن بزرگ فیلم ببینند. چون خیلی مواقع این مشکل را داشتیم خیلی از خبرنگاران و منتقدان را در سال‌های قبلش به دلیل اینکه محدودیت جا داشتیم امکان حضور آنها را نداشتیم و آنجا دستمان بیشتر باز بود.

البته یک نقطه‌نظر هم در همهٔ این سالها مطرح بوده است در مورد اینکه مجموعهٔ دولت در آن سالها تصمیم گرفت جشنواره فجر از حالت فستیوال تخصصی یک مقدار خارج و تبدیل به یک جشن مردمی بشود و بهترین جایی که می‌توانست تبلور مردمی بودن این حضور را داشته باشد که همهٔ گروه‌ها و همهٔ افرادی که با جشنواره سروکار دارند در یک مرکزیت جمع شوند همان برج میلاد بود. و البته به لحاظ سیاسی هم نیاز بود بعد از انتخابات آن سال جشنواره با شور و حرارت بیشتری برگزار شود. این نقطه‌نظر چقدر درست است و واقعاً کارکرد آن جشن بودن را برج میلاد برای جشنواره در سال‌های اولیه دوره ۲۸ داشت یا خیر؟

نه؛ واقعا در این ماجرا و برگزاری جشنواره در برج میلاد نقطه نظارت سیاسی دخیل نبود.به نظرم برعکس، اتفاقاً این رفتار خیلی جشنواره را تخصصی‌تر می‌کرد؛ چون من معتقدم جشنواره فیلم فجر یک جشنواره تخصصیِ سینماییِ مانند دیگر جشنواره‌ها که در دنیا برگزار می‌شود نیست و چون که این یک جشن ملی است و مهمترین جشنِ برای پیروزی انقلاب اسلامی است، اتفاقاً رفتنِ جشنواره به برج میلاد باعث کمی تخصصی‌تر شدن و نگاهِ حرفه‌ای‌تر شدن به آن بود تا اینکه خیلی مردمی شود. با این رفتار تا حدودی می‌شود گفت

من موافق پایش و اندازه‌گیری و سخت‌گیری در صدور کارتی که کارت ارزشمندی است،هستم.یعنی معتقدم سینمای رسانه جای هر علاقمندی به سینمایی نیست. ما اگر ده هزار صندلی هم داشته باشیم قرار نیست در را باز کنیم و ده‌هزار صندلی ما پر شوند و این اشکالی بود که در سال‌های بعد از دوره ۲۸ اتفاق افتاد.

این وجه حرفه‌ای جشنواره پررنگ‌تر شد و به نظر من انتخاب بسیار خوبی بود. این شانس دوستان آن دوره و مسئولین آن دوره بود که برج میلادی که همه چند سال منتظرش بودیم که آماده شود درست در سال ۸۸ آماده شد.

■ امروز خیلی از دوستانی که موافق این هستند بعد از ۸ سال جشنواره فجر از برج میلاد جدا شود به دلیل حضور بار اضافه افراد در آن محل بود و در سال‌های ابتدایی شاهد حضور کسانی در کاخ جشنواره بودیم که نه ربطی به رسانه و منتقدین داشتند و نه سینماگران اما ورود پیدا می‌کردند و همین موضوع شائبه مدیریت شده بودن حضور این افراد را مطرح می‌کرد؟

البته من جزء موافقین آنها نیستم، من همچنان فکر می‌کنم که برج میلاد به دلیل اینکه امکان متمرکز بودن افراد را می‌دهد مکان خوبی برای برگزاری جشنواره است، البته در سال‌هایی به دلیل نوع مدیریتی که بر آن مجموعه رفت و ورود آدم‌های بی‌ربطی به نام هنرمند، رسانه و دست‌اندرکاران فیلم‌ها، باعث مخدوش شدن آن فضای حرفه‌ای شد.

■ قطعا برگزاری جشنواره در سال اول در برج میلاد با محدودیت‌های زیادی همراه بود. این محدودیت‌ها را چگونه برطرف کردید؟

ما محدودیت‌های زیادی روزهای اول داشتیم. بخش عمده‌ای از خبرنگاران وسیلهٔ شخصی برای آمدن به آنجا نداشتند و به دلیل تعدد فیلم‌ها تا دیروقت نمایش داشتیم. از سوی دیگر برج میلاد نه مترو داشت، نه خط اتوبوسرانی ویژه‌ای داشت و تا حدودی هم از مرکز شهر دور است و چون بیشتر رسانه‌ها در مرکز شهر متمرکز بودند رفت و آمد برای بسیاری از افراد سخت بود. یعنی حتماً سینمای فلسطین، استقلال و صحرا بسیار برای آنها جذاب‌تر بود و به راحتی می‌توانستند رفت و آمد

کنند ولی آنجا این مشکل را داشت که راه طولانی‌ای را باید می‌آمدند و سرویس‌ها هم شاید جوابگوی آن همه از آدم‌هایی که می‌آمدند نبود؛ ولی برای کسانی که خودرو داشتند آنجا پارکینگ زیادی داشت. با این شرایط باید ریسک برگزاری جشنواره را قبول می‌کردیم که بعد از روزهای اول با تمهیداتی که اندیشیده شد مشکلات به حداقل رسید.

■ شما با ۵ دوره، بیشترین دوره مدیریت روابط عمومی جشنواره را به عهده داشتید و البته چند دوره هم مسئولیت سینمای مطبوعات با شما بود.مشخصا چه خصوصیاتی را باید برای سینمای رسانه‌ها رعایت کرد؟ یکسری مطبوعات هر سال اضافه می‌شوند و دلشان می‌خواهد در این جشنواره فجر سهمی داشته باشند و طبیعی است باید آن غربالگری انجام شود.

به هر حال دیدن فیلم فرصتِ نوشتن و ارائه، اعلام گزارش و ارسال گزارش برای مردم، برای رسانه‌ها شاید مهمترین ویژگی است که باید آن سینما داشته باشد؛ این سیاستی است که جشنواره دارد اینکه باید فیلم را رسانه‌ها زودتر از مردم عادی ببینند کما اینکه ما در دوره‌هایی اینطوری بود یک روز زودتر شروع می‌کردیم، اولین جایی که یک فیلم در

جشنواره نمایش داده می‌شد در سینمای رسانه‌ها بود. به نظر من سینمای مطبوعات نقش بسیار زیادی برای معرفی و تبلیغ فیلم‌های سینمای ایران دارد، اینکه در دوره‌ای که ما دیگر اجباری برای حضور فیلم در جشنواره فیلم فجر نداریم چون در دهه ۶۰ اینگونه بود اگر فیلم‌ها به جشنواره نمی‌آمدند، در جدول اکران قرار نمی‌گرفتند ولی از اواسط دهه ۷۰ این شرط و محدودیت برداشته شد و فیلم‌ها می‌توانند بدون اینکه در جشنواره فیلم فجر باشند اکران شوند ولی یک اتفاقی در این سالها رخ داده که همهٔ سینمایی‌ها را ترغیب و تشویق می‌کند که جشنواره فیلم فجر برای آنها حکم دیده شدن، معرفی و تبلیغ در سطح وسیعی را دارد و اگر از این جشنواره جا بمانند، شاید خیلی از فیلم‌ها انگار اصلا ساخته نشده‌اند. به همین خاطر جشنواره فیلم فجر هم سهم زیادی را در سینمای رسانه‌ها برای فیلم‌ها دارد که می‌تواند تبلیغاتِ رایگانی را برای هر فیلم فراهم بکند.

با مرور گذشته سینمای رسانه‌ها متوجه می‌شویم که آغاز غربالگری و بررسی حرفه‌ای اهالی رسانه برای حضور در جشنواره و اختصاص بارکد بر روی کارت‌ها برای شناسایی بهتر افراد، از دوره ۲۶ اتفاق افتاد. این را هم توضیح بدهید براساس چه الزامی در آن سال این تصمیم را گرفتید که البته هنوز هم در جشنواره پابرجا مانده است.

بسیار نکتهٔ خوبی را اشاره کردید چون ما هر سال با حجم زیاد تقاضا مواجه بودیم ولی اثربخشی اینها را نمی–دانستیم، این همه امکانی که جشنواره فراهم می‌کند، سینما، پذیرایی، صبح تا شب نمایش فیلم، نتیجه اینها توسط هر کدام از این رسانه‌هایی که هر کدام نهایت از۲ تا ۲۰ کارت می‌گیرند، عملکردشان چیست؟ چون به نظر ما باید اینها را برای حرفه‌ای‌تر شدن افراد را براساس میزان فعالیتی که راجع به آن جشنواره انجام دادند بتوانیم سال بعد دعوت کنیم. به همین خاطر رفتیم سراغ اینکه یک امکانی را فراهم بکنیم تا ببینیم حداقل در وهله اول در وهلهٔ اول برای یک فردی که کارت صادر می‌کنیم در ۱۰ روز جشنواره، اصلا چند روز به جشنواره می‌آید؟ اصلاً می‌آید یا نمی‌آید؟ این کار باعث شد حتی ما یک گزارشی را آن سال به هر رسانه دادیم. یعنی بعد از جشنواره سال ۸۶ که برای اولین بار این کار را کردیم و کارت‌ها را الکترونیک کردیم؛ رسیدیم به مدلی که اجرا شد که به نظر من هم خوب بود.

و در این سال‌ها هم تداوم داشته است.

بله. اما سال‌های بعد تکمیل شد و الان دیگر اصلاً بدون آن امکان سینمای رسانه‌ها به نوعی انجام نمی‌شود یک فرهنگ شد و خیلی از جشنواره‌های دیگر از این روش استفاده کردند که اتفاق خوبی بود. ما البته سال اول فقط ورود و خروج را کنترل می‌کردیم و سال‌های بعد برای دسترسی بهتر آمدیم گفتیم چه کسانی می‌توانند و چه کسانی نمی‌توانند در نشست‌ها حضور داشته باشند؟ چه جاهایی می‌توانند بروند. بالاخره مانند جشنواره‌های حرفه‌ای‌تر دسترسی‌ها را برای افراد تعریف کردیم، ولی سال ۸۶ اولین سال برآیندش این شد که بنده برای سال بعد به همهٔ رسانه‌ها گزارش دادم که همکارانی که شما گفتید ما برایشان کارت صادر کردیم گزارش حضور و غیاب هرکدام‌شان در جشنواره است، مطلع باشید که این همکاران شما چه روزهایی آمدند.

به عنوان کسی که مستقیم درگیر جشنواره بودید و روابط عمومی جشنواره بودید؛ با رویکردی که جشنواره سال گذشته در پیش گرفت و سخت‌گیری بیشتری نسبت به حضور اهالی رسانه انجام شد موافق هستید؟ در واقع آیا جشنواره نیاز دارد با غربالگری و سخت‌گیری بیشتری نسبت به حضور اهالی رسانه بپردازد یا اینکه چون نام جشن روی آن هست و مهمترین جشن پیروزی انقلاب محسوب می‌شود، باید مانند دوره‌هایی خاص درب‌ها را باز گذاشت؟. شما کدام یک از این دو رویکرد را بیشتر می پسندید؟

من موافق پایش و اندازه‌گیری و سخت‌گیری در صدور کارتی که کارتِ ارزشمندی است هستم،یعنی معتقدم سینمای رسانه جای هر علاقمند به سینمایی نیست. ما اگر ده هزار صندلی هم داشته باشیم قرار نیست در را باز کنیم و ده‌هزار صندلی ما پر شوند و این اشکالی بود که در سال‌های بعد از دوره ۲۸ اتفاق افتاد بعد از ۸۸ که آخرین سال مدیریت روابط عمومی من در جشنواره بود و به مدت ۳، ۴ سال نبودم، در سال‌های بعد می‌دیدم که دوستان انگار تمایل داشتند تا آن مکان شلوغ باشد.بالاخره سال‌هایی بود که فکر می‌کردند هر چه شلوغ‌تر باشد انگار باشکوه‌تر است، در یک مکانی حرفه‌ای الزاماً شلوغی و کثرت نشانهٔ خوبی جشنواره و مدیریت خوب نیست، اما متاسفانه آن اتفاق افتاد.

من معتقدم کار بچه‌های روابط عمومی جشنواره الان نسبت به قبل خیلی سخت‌تر شده است. چون همه مدعی هستند و همه فکر می‌کنند رسانه هستند، نظارت زیادی بالای سر خیلی از اینها نیست. متاسفانه حاشیه الان خیلی در سطح آمده به جای اینکه ما به رسانه‌های حرفه‌ای استناد کنیم و اخبار آنها را دنبال کنیم، اخبار و شایعات زرد در کانال‌ها می‌چرخد، به نظر من خیلی واجب است به سواد رسانه‌ای تاکید بیشتری شود ولی خیلی از

من معتقدم کار بچه‌های روابط عمومی جشنواره نسبت به قبل خیلی سخت‌تر شده است. چون همه مدعی هستند و همه فکر می‌کنند رسانه هستند، نظارت زیادی بالای سر خیلی از اینها نیست

مردم نمی‌توانند تشخیص بدهند که الان چیزهایی که در کانال‌ها منتشر می‌شود و ارسال هم می‌شود آیا واقعاً راست است یا دروغ!.

اگر بخواهید دو خاطره برجسته از سال‌هایی که چه مسئولیت روابط عمومی را داشتید چه در جشنواره درگیر بودید، بگویید؛ به چه می‌توانید اشاره کنید؟

من در طول سال‌هایی که می‌خواستیم جشنواره را برگزار کنیم یادم است که شب قبل از جشنواره خیلی مواقع ما با ذوق و شوق نصفه‌شب در شهر می‌چرخیدیم، شب‌هایی که برای جشنواره کاتالوگ آماده می‌کردیم نخوابیدن اثری نمی‌گذاشت و عشق جشنواره باعث می‌شود ما نصف‌شب که خلوت بود می‌رفتیم می‌چرخیدیم و منتظر بودیم که فردا جشنواره آغاز شود. از این نوع خاطرات خوب زیاد داریم ما جلسات عجیب و غریبی هم داشتیم،مثل «زمهریر» در سال ۸۸ فکر می‌کنم یکی از بی‌سابقه‌ترین اتفاقاتی بود که ما نصفه‌شب نشست آن فیلم را برگزار کردیم.

البته در همان سال ۸۸(دوره ۲۸) یک اتفاق حاشیه‌ای افتاد و خبرنگاران مراسم اختتامیه را تحریم کردند.

بله اینها جزء اسراری است که ما در سینما داریم.

الان بعد از ۸ سال می‌توانید به جزئیات آن اتفاق اشاره کنید و اینکه چرا آن شب چنین رفتاری با خبرنگاران شد؟

آن سال بالاخره آقای شمقدری معاون سینمایی بودند. ما در سال ۸۸ به دوستان گفتیم اختتامیه بخش بین‌الملل فیلم فجر را به لحاظ سنتی که وجود داشت و استقبال خیلی زیادی که از آن نمی‌شد، در برج میلاد برگزار نکنید و در تالار وحدت برگزار کنیم. معمول هم این بود که دو سه روز قبل از اختتامیه اصلی اختتامیه بین‌الملل در تالار وحدت برگزار می‌شد و حتی تالار وحدت هم برای آن اختتامیه پر نمی‌شد. معمولاً مراسمی نبود که خیلی مورد استقبال واقع شود اما آقای شمقدری اصرار داشتند که باید در برج میلاد برگزار شود، وقتی در برج میلاد برگزار شد، همانطور که ما پیش‌بینی می‌کردیم استقبال زیادی نشد. ولی تحلیل آقایان این بود که یک عده کارشکنی کردند تا افراد نیایند، در صورتی که اصلا اینطوری نبود.

ما همیشه برای اختتامیهٔ اصلی جشنواره اگر هزار تا صندلی داشتیم ۸۰۰

کارت توزیع می‌کردیم آقایان به دلیل آن اتفاقی که برای بین‌الملل رخ داد آمدند بیش از آنچه که برج میلاد صندلی داشت کارت توزیع کردند. بنابراین یک دلیلش این بود که کارت زیادی توزیع شده بود و دوم اینکه ما در روز اختتامیه، صبح آن روز مرسوم بود برای رسانه‌ها یک ردیفی را اختصاص می‌دادیم و بچه‌های ما به عنوان روابط عمومی مراقبت می‌کردند که اهالی رسانه–ها سر جای خودشان بنشینند، ولی یکی از آقایان که مسئولیت آن سالن را داشت، تمام برچسب‌های مخصوص رسانه‌ها را کَنده بود و گفته بود نیازی نیست رسانه‌ها هم مانند بقیه بروند بنشینند. من فکر می‌کنم برای اینکه اهمیت این موضوع را به مسئولین بگویم با آقای مسعودشاهی که دبیر جشنواره بود چندین بار آن روز صحبت کردم و خواهش کردم و گفتم این تصمیم تصمیمِ غلطی است. برای دفاع از همکاران‌مان و خبرنگارها، ایشان هرچقدر تلاشِ کرد نتوانست کاری از پیش ببرد. به آقای شمقدری هم گفتم، اصلاً مانده بودم چرا اینطوری است؟! چرا اینها در موضوعی که در حوزهٔ تخصصی ماست و تجربیاتی که ما داریم دخالت می‌کنند. روز اختتامیه برگزارکنندهٔ اختتامیه یا مسئول آن سالن، مردم را پشت در بیرون از برج میلاد نگه داشته بودند که به مرور آدم‌ها می‌توانستند وارد شوند، بیایند در لابی و بعد از اینکه درهای سالن باز می‌شود، آرام بروند سالن و بنشینند. اما فضای ملتهبی را در بیرون از برج میلاد درست کرده بودند و مردم را در سرما نگه داشته بودند و وقتی در را باز کردند مردم به سالن هجوم آوردند و با توجه به اینکه که تعداد زیادی کارت صادر شده بود، دیگر کسی نمی–دانست چه کسی کارت دارد و چه کسی ندارد. این موضوع باعث شد همه صندلی‌ها حتی ردیف‌هایی که برای نامزدهای دریافت سیمرغ بود را هم اشغال بکنند، این موضوع باعث دلخوری بچه‌های خبرنگار شد و ما هم دیگر کاری از دست‌مان برنمی‌آمد چون ما همهٔ بحث‌هایمان را قبل از اختتامیه هم با آقای شمقدری هم با آقای مسعودشاهی هم با کسانی که این مسئولیت را داشتند و به ما کمک نکردند داشتیم و متاسفانه منجر به این شد که بچه‌های خبرنگار دلخور شوند و از سالن بیایند بیرون که من هم در همراهی با آنها آمدم بیرون ایستادم و در مراسم اختتامیه نبودم که اینها همه باعث دلخوری مسئولینی شد که ما به آنها این هشدار را داده بودیم. جالب است من تمام اینها را صبح روز اختتامیه گفته بودم که چه اتفاقی می‌افتد؟ پیش‌بینی کرده بودیم ما که این همه آن سال زحمت کشیده بودیم، از همه بیشتر ناراحت بودیم که چرا ته این همه زحمت و روز اختتامیه اتفاقِ اینگونه افتاده است؟ ولی آقایان اینها را دستاویزی برای حمله به ما و برخورد با ما قرار دادند. شب اختتامیه جشنواره بیست‌وهشتم(سال ۸۸) شاید تلخ‌ترین شب یا روزی که در جشنواره فیلم فجر در حداقل نزدیک ۱۰ یا ۱۲ سالی که در جشنواره در بخش‌های مختلف مسئولیت داشتم بود که دوست نداشتم و ساعت آخر جشنواره که ما می‌خواستیم به خوبی تمام کنیم، خستگی آن سال جشنواره در تن‌ام ماند و سال ۸۸ برگزاری جشنواره فیلم فجر سال سختی بود بخصوص با عدم همراهی که مسئولین جدید معاونت سینمایی آن زمان داشتند.به هر حال ما که از روز اول هم خیلی علاقمند به همکاری با تیم جدید نبودیم به آنها هم اعلام کردیم ولی گفتند نه باید بمانید و جشنواره را باشید ولی خیلی بد با ما رفتار کردند. البته من توقع‌ام از بچه‌های خبرنگار خیلی خیلی بیشتر بود، آن شب و آن لحظات خیلی تعجب می‌کردم چون بالاخره مشکلات و سختی‌ها وجود دارد و این اتفاقات می‌افتد، ما باید رسالت حرفه‌ای‌مان را ایفا بکنیم نمی‌شود که با یک اتفاق کوچک جا بزنیم.

ولی آن شب واقعاً بچه‌های خبرنگار راهی به سالن پیدا نکردند و همه تصمیم گرفتند مراسم را پوشش ندهند.

بله مشخص نشد چه اتفاقی افتاد. این را به عنوان دلخوری می‌گویم چون آخرین سالی بود که مدیر روابط عمومی جشنواره بودم همیشه می‌گویم حیف شد، می‌توانست خوب تمام شود، می‌توانست آنطوری تمام نشود! حیف شد دیگر!.

البته نشست خبری فیلم «موج مرده» هم از آن نشست‌های عجیب و غریب بود که در سینما استقلال بود، شب قبلش ساعت ۱۲، خدا رحمت کند سیدابراهیم اصغرزاده به من زنگ زد گفت آقای ایل‌بیگی فیلم توقیف شد، حالا ما ساعت ۱۰ صبح فردا قرار بود آن را نمایش بدهیم و جلسه نقد و بررسی برگزار کنیم، من صبح زود که می‌رفتم به سمت سینما، به مرحوم سیف‌الله داد زنگ زدم و به ایشان گفتم که من چه کنم؟ گفتیم آقای حاتمی‌کیا هم می‌آیند! گفت به ابراهیم زنگ بزن و بگو چه شده و نیاید، من به آقای حاتمی‌کیا گفتم چه خبر شده است و خواهش کردم که نیاید، گفت باشد. یک ربع بعد به من زنگ زدند گفتند بروید و حتما جلسه را برگزار کنید، گفتم باشد. آن روز ساعت ۱۰ صبح در سینمای استقلال در پیاده‌رو، آقا ابراهیم از دور با آن نایلکس پر از بریده–های فیلم آمد و آن جلسه برگزار شد و جلسه عجیب و غریبی بود، فکر می‌کنم یکی از ملتهب‌ترین جلساتی که در آن سال برگزار شد، این جلسه بود. یعنی جلسه «زمهریر» و این جلسه از جلسات متفاوتی بود که ما برگزار کردیم. البته سال ۸۵ هم آمدن مرحوم کیارستمی در سینما فلسطین خیلی حاشیه‌ساز شد من آن سال یادم است آقای جعفری‌جلوه، ما در دفتر جشنواره فیلم «جاده‌ها»ی مرحوم کیارستمی را به اتفاق دیدیم و تصمیم گرفته شد این فیلم در سینمای مطبوعات نمایش داده شود و بعد که نمایش دادیم با استقبال بسیار زیادی مواجه شد.

شب اختتامیه جشنواره بیست‌وهشتم(سال ۸۸) شاید تلخ‌ترین شب یا روزی بود که در جشنواره فیلم فجر در حداقل نزدیک ۱۰ یا ۱۲ سالی که در جشنواره در بخش‌های مختلف مسئولیت داشتم. که دوست نداشتم و ساعت آخر جشنواره که ما می‌خواستیم به خوبی تمام کنیم، خستگی آن سال جشنواره در تن‌ام ماند و سال ۸۸ برگزاری جشنواره فیلم فجر واقعا سالِ سختی بود.

سینمای رسانه ها از آغاز تا امروز

۳ دوره
دوره های ۱۳،۱۲ و ۱۷
ظرفیت: ۴۷۸ نفر
پارکینگ: ندارد

۱ دوره
دوره: ۱۱
ظرفیت: ۱۴۷ نفر
پارکینگ: ندارد

۲ دوره
دوره های ۲۵ و ۲۷
ظرفیت: ۱۰۳۹ نفر
پارکینگ: ندارد

۳ دوره
دوره های ۲۶،۲۴،۲۳
ظرفیت: ۱۲۰۰ نفر
پارکینگ: ندارد

۱۰ نکته از سینمای رسانه که شاید ندانید

۱–۲۵ سال از زمان اختصاص نخستین سالن به رسانه ها می گذرد
۲– در دوره سوم جشنواره برای اولین بار ردیفی در سینما صحرا به اهالی رسانه اختصاص یافت
۳–از دوره هشتم جلسات پرسش و پاسخ فیلم ها به مدیریت عبلغه اسفندیاری در مرکز آموزش فیلمسازی برپا شد اما هنوز سینمایی به طور مستقل در اختیار رسانه ها قرار نداشت
۴–در طی ۲۵ سال گذشته مجموعا ۸ سالن به عنوان سینمای رسانه ها معرفی شده اند
۵–اولین بار در دوره یازدهم، سالن سینمایی به نویسندگان سینمایی مطبوعات، رسانه‌ها و دست اندرکاران فیلم‌ها اختصاص پیدا کرد و سینما «شهر قصه» در کنار سینما «آزادی» میزبان آنها شد
۶–برج میلاد با ۸ دوره متوالی (از دوره ۲۸ تا دوره ۳۵) میزبانی رکورددار معرفی به عنوان سینمای رسانه

فجرنامه
بولتن مجازی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر
طراح: علی شکوری

۱ دوره
دوره بیستم
ظرفیت: ۵۷۰ نفر
پارکینگ: ندارد

۷ دوره
دوره های ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸
۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲
ظرفیت: ۷۰۰ نفر
پارکینگ: ندارد

۸ دوره
دوره های ۲۸، ۲۹، ۳۰
۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵
ظرفیت: ۱۶۰۰ نفر
پارکینگ: دارد

۱ دوره
دوره ۳۶
ظرفیت: ۱۰۸۰ نفر
پارکینگ: دارد

۷- تا قبل از افتتاح برج میلاد، سینما استقلال با ۷ دوره میزبانی از رسانه ها رکورددار بود
۸- تا قبل از دوره ۱۹ اهالی رسانه در کنار داوران جنبی به تماشای فیلم ها می نشستند اما از این دوره برای اولین بار، یک سینما (سینما استقلال) تنها در اختیار رسانه های گروهی قرار گرفت
۹- در دوره ۲۶ که سینما صحرا میزبان اهالی رسانه بود، برای اولین بار کارت خبرنگاران دارای بارکد شد
۱۰- حبیب ایل بیگی با مدیریت روابط عمومی ۵ دوره جشنواره رکورددار است و در این ۵ دوره سینماهای صحرا، فلسطین و میلاد سینمای رسانه ها بودند

سه نگاه به «فجر» در گذر زمان

حسین سلطان‌محمدی/منتقد

ماجرای جابجایی عکس دو داور خارجی در کاتالوگ

یک بار کاتالوگ جشنواره را بستیم و خوشحال از چاپ آن، پیش از شروع جشنواره، نسخه‌ای را برداشته و به محل آماده‌سازی بازار فیلم در سالن حجاب رفتیم و به آقای اسفندیاری نشان دادیم که ایشان به محض مرور بخش بین‌الملل در کاتالوگ، گفتند عکس دو داور خارجی در یک صفحه، جابه‌جا چاپ شده. گرافیست ما، تنها چاره را در چاپ عکس دو داور به همان سایز چاپ شده بر روی لیبل دانست. بلافاصله لیبل‌ها چاپ و به دفتر گرافیست رسید و چهارنفره در عرض چند ساعت، بیش از هزار نسخه کاتالوگ را با ظرافت اصلاح کردیم و همان شب دوباره نسخه‌ای از کاتالوگ را به آقای اسفندیاری دادیم. ایشان ابتدا فکر کرد دوباره چاپ کردیم اما بعد که راهکار را گفتیم، متعجب شد و گفت که اصلا معلوم نیست لیبل چسبانده‌ایم.

در یک دوره‌ای هم که بولتن جشنواره را اجرا می‌کردیم، همکاری را گذاشته بودیم و از همه چند مرکز استانی که نمایش همزمان داشتند، در انتهای شب، تلفنی گزارش روزانه جشنواره در آن شهرها را می‌گرفت. خبرنگاری هم داشتیم که از سالن‌های مردمی گزارش تهیه کرده و به ما می‌رساند. همکاری هم در سینمای صنوف مستقر کرده بودیم و از آنجا مطلب می‌رساند. علاوه بر این، مسئولان جشنواره را راضی کردیم که خبرنگاری در یکی از سالن‌هایی داشته باشیم که مسئولان مملکتی اعم از مدیر و وزیر و نماینده مجلس و مانند آن، با خانواده برای دیدن فیلم‌ها می‌آمدند تا گزارش‌های دست اولی از برداشت این شخصیت‌ها بعد از پایان نمایش هر فیلم تهیه و به صورت مرتب در بولتن چاپ کنیم. این تجربه‌ها تکرار نشد.

در یک دوره‌ای، روزهای نزدیک به جشنواره، بولتن از گروه قبلی گرفته و به ما سپرده شد و ما با اطمینان به قبلی‌ها، نظام لیتوگرافی و چاپ آنان را پذیرفتیم و دنبال تهیه مطلب رفتیم. اما بولتن روز نخست، هم در فرم بندی به صورت آگاهانه، دچار اشکال شده بود و هم بعد از رفع اشکال، بولتن‌های چاپ شده، در خیابان‌های تهران تا ساعت‌ها گم شده بود. تلاش شده بود تا به موقع توزیع نشود اما برای روز بعد، این مشکل را برطرف کردیم.

ابوالفضل جلیلی/سینماگر

تاثیر جشنواره فیلم فجر بر جریان سینما

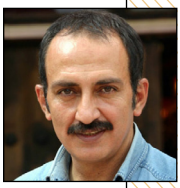

همیشه تصورم بر این بوده که اگر قرار است جشنواره‌ای به عنوان جشنواره فیلم فجر در کشورمان برگزار شود، باید نگاهمان فرهنگی باشد و در کنار آن الگویی برای هنرمندان جهان باشیم زیرا در غیر اینصورت تبدیل به یک جشنواره جهان سومی می‌شویم که هیچ مخاطبی ندارد و اگر هم داشته باشد محدود به کشورهای اطراف خودمان می‌شود.از جمله مواردی که معمولا در سال های اخیر در جشنواره فیلم فجر چشمگیر بوده برگزاری فرش قرمزها بوده است و من معتقدم که اگر قرار است فیلم فجر را مانند جشنواره‌های کشورهای دیگر برگزار کنیم باید تمامی قواعد آنها را پیاده کنیم.

جشنواره فیلم فجر مهمترین رویداد سینمایی کشور است و طبیعی است که بر روی سینمای ما تاثیرگذار باشد. به طور مثال، اغلب فیلمسازن سعی می‌کنند برنامه ریزی داشته باشند تا اولین نمایش فیلمشان در جشنواره فیلم فجر باشد و در مهمترین رقابتی که در بین فیلمسازان ایجاد می‌شود، شرکت داشته باشند. برخی‌ها می‌گویند جشنواره بر روی اکران فیلم‌ها بعد از جشنواره تاثیرگذار است، اما اینطور نیست چون اکران خودش مقوله‌ای جداست و مراحل خاص خود را دارد. هر سال جشنواره فیلم فجر فیلمسازان جوانی را کشف می‌کند اما باید برای بعد از جشنواره هم به این فیلمسازان جوان توجه داشت و آنها را رها نکرد.

حمیدرضا مدقق/روزنامه‌نگار

مجادله خبرنگار خارجی

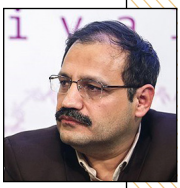

دقیقا به خاطر نمی‌آورم چه سالی و کدام دوره جشنواره فجر بود، اما خوب به یاد دارم که انبوه جمعیت مقابل سینما عصرجدید جمع شده بودند. هنوز چند دقیقه‌ای به ساعت ۱۷ مانده بود و مطابق جدول جشنواره (که مطابق رسم معمول آن روزها بر دو روی یک برگ کاغذ قطع بزرگ منتشر می‌شد) قرار بود «خبرنگار خارجی» ساخته آلفرد هیچکاک در یکی از سالن‌ها به نمایش درآید.

با هزار زحمت جلو رفتم اما گیشه بسته بود و من هاج و واج مانده بودم که چه کنم که ناگهان زنده یاد «هوشنگ کاوه» مدیر وقت سینما "عصرجدید" را دیدم. کاوه بیرون آمده بود و تلاش می‌کرد ازدحام و هیاهوی مقابل سینمایش را مدیریت کند. جلو رفتم و از او درباره چگونگی نمایش «خبرنگار خارجی» پرسیدم. اما کاوه بی‌معطلی خواستار کارت شناسایی شد. منظورش را نفهمیدم و دوباره از «خبرنگار خارجی» پرسیدم و او هم بار دیگر تقاضای کارت کرد. مجادله کلامی ما چند بار دیگر هم تکرار شد تا این که بالاخره کاوه حوصله‌اش سر رفت و خیلی جدی گفت: «اگر خبرنگار خارجی هستی باید کارت داشته باشی تا بتونی داخل شوی» و من تازه آن موقع بود که فهمیدم گیر کار کجاست. شلوغی جمعیت مانع ارتباط درست من و کاوه شده بود.

آن روز بالاخره نتوانستم خبرنگار خارجی را ببینم اما سال‌ها بعد در یکی از جشن‌های انجمن منتقدان بار دیگر با کاوه رو به رو شدم و این بار در کسوت واقعی یک خبرنگار خواستم با او مصاحبه کنم اما یکی از همراهانش گفت که پیرمرد دیگر توان صحبت ندارد. حالا سال‌هاست که کاوه بدرود حیات گفته و سینما عصرجدید هم مدتهاست که دیگر از گردونه سینماهای جشنواره فجر خارج شده، اما خاطره خوش آن ازدحام‌ها، هیاهوها و گاه سوءتفاهم‌ها و مجادله‌ها همچنان باقی است.

روایتی از یک عکس

دیپلم افتخار مجید!

در بولتن مجازی جشنواره قصد داریم هر شماره با توجه به عکس‌های خاطره‌انگیز به سراغ یکی از حاضران در آن عکس رفته و حس و حال آنها را پس از سال‌ها جویا شویم که در این شماره توضیح مهدی باقربیگی را پس از دریافت لوح تقدیر بازیگری از جشنواره یازدهم و روایت محمود گبرلو از مدیریت برگزاری نشست‌های پرسش و پاسخ در جشنواره پانزدهم را می‌خوانیم.

سال ۷۱ و دوره یازدهم جشنواره فیلم فجر بود یادم هست که وقتی برای حضور در مراسم اختتامیه از من دعوت کرده بودند، با پدرم به تهران آمده بودم. در مراسم و وقتی اسم من را خواندند و به طرف سن می‌رفتم، یادم می‌آید که بخش‌هایی از فیلم «صبح روز بعد» هم همزمان پخش می‌شد، نمی‌دانم کدام بخش فیلم بود که همه حاضران خندیدند! اما به من گفته بودند آرام راه بروم و عجله نکنم و حتما هم لبخند بزنم! من هم حواسم بود که لبخند بزنم و دست و پایم هم موقع راه رفتن در هم نپیچد!

وقتی به بالای صحنه رسیدم، از آقای لاریجانی جایزه‌ام را گرفتم. من دوبار از ایشان به عنوان مدیر ارشد جایزه گرفتم؛ یکبار زمانی که مدیر صدا و سیما و یک بار هم وزیر ارشاد بودند.

در آخر تنها جمله‌ای که می‌توانم بگویم این است که آن زمان خیلی خوشحال بودم.

خاطراتی از جنس سال‌های «سلطان»

این عکس برای من از چندین جهت خاطره‌انگیز و جذاب است. وقتی به عکس و به‌خصوص چهره خودم که نگاه می‌کنم یاد دورانی می‌افتم که کار خبرنگاری می‌کردم و گاهی هم یادداشت و نقد می‌نوشتم. آقای ضرغامی که معاون سینمایی وقت بودند از طریق دوستی من را مسئول اداره جلسات پرسش و پاسخ فیلم‌ها کردند. اداره کردن جلسات به‌خصوص در میان خبرنگاران و منتقدان و به‌خصوص فیلمسازان، بسیار سخت بود؛ به‌خصوص برای من که اولین تجربه اداره جلسات پرسش و پاسخ را پیش رو داشتم و باید این جلسات را طی ده روز و برای تمام فیلم‌ها اداره می‌کردم. خبرنگاران هم افراد بسیار جدی بودند که با صراحت حرف‌شان را می‌زدند و نظرشان را می‌دانند. برای خودم، تجربه بسیار بزرگ و خوبی بود و یادم می‌آید که این اضطراب و دلشوره را داشتم که چگونه بتوانم جلسات را به خوبی اداره کنم تا هم رضایت خاطر مسئولانی که به من اعتماد کرده بودند، حاصل شود و هم اینکه به عنوان یک خبرنگار باعث اعتبار هم‌صنفی‌های خودم باشم. با تمام وجود در کلام و رفتار خودم دقت می‌کردم که خدای ناکرده باعث دلخوری یا آزرده‌خاطر شدن کسی نشوم. جنبه نوستالژیک بعدی عکس برایم این است که در کنار مرد بزرگی مثل «مسعود کیمیایی» نشستم که احساس می‌کردم کنار ایشان نشستن موجب لذت و افتخار است و از طرف دیگر، وجوه هنرمندانه او به ویژه در دیالوگ‌نویسی و خلق موقعیت‌های حسی، برایم بارها خاطره‌انگیز بود. شاید پیش از آن اختلاف‌دیدگاه‌هایی هم درباره سینما داشتیم که طبیعی‌ست اما از نظر شخصیتی، ایشان برایم بسیار دوست‌داشتنی بوده و هست. در آن جلسه خاص البته خبرنگاران با جدیت و عصبانیت خاصی سوال می‌کردند و من خواستم تا سوالات‌شان را نه به صورت مکتوب که به صورت شفاهی و در پشت تریبون مطرح کنند. نکته جالب این بود که آقای طالبی‌نژاد هم جزو کسانی بود که نظرشان را در جلسه مطرح کرد و در کل، سطح جلسه بسیار بالا بود.

حس بسیار خوب و لذت دلنشینی از این عکس دارم. عکسی که حالا که می‌نگرم، به این نتیجه می‌رسم که جوانی‌ام به هدر نرفت و تجربه‌ای مهم برای سال‌های بعد من شد.

فجر در آئینه رسانه‌ها

طی هفت روز گذشته رسانه‌های مختلف، اخبار و گزارش‌های مختلفی را در ارتباط با جشنواره فیلم فجر منتشر کردند که بیش‌ترین خبرها پیرامون آماده‌شدن فیلم‌ها برای حضور در مهمترین رویداد سینمایی سال بود که در ادامه به بخشی از آنها اشاره می‌شود؛

■ مصطفی کیایی: با توجه به طولانی شدن مراحل فنی چهارراه استانبول ؛ احتمال دارد این فیلم به جشنواره فیلم فجر نرسد**(سینماتیکت)**

■ مسعود نجفی مدیر روابط عمومی جشنواره فیلم فجر :۱۳۰۰ نفر از اهالی رسانه و ۱۷۰ نفر از منتقدان برای حضور در جشنواره فیلم فجر ثبت نام کرده اند**(برنامه سینمادو)**

■ الهه حصاری امسال با سه فیلم در جشنواره فیلم فجر حضور دارد **(روزنامه سینما)**

■ فیلم سینمایی «شعله‌ور» جدیدترین ساخته حمید نعمت‌الله به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی که چندی پیش فرم حضور در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر را پر کرده بود، تحویل دفتر جشنواره فیلم فجر شد **(تسنیم)**

■ ابراهیم داروغه‌زاده گفت: «بیش از ۷۰درصد از فیلم‌ها توسط هیأت‌انتخاب دیده شده است و این پروسه تماشا و بررسی فیلم‌ها همچنان ادامه دارد. ما طبق آیین‌نامه تمام کارها را انجام می‌دهیم و اتفاقی خارج از آیین‌نامه جشنواره رخ نخواهد داد **(خبرگزاری صبا)**

■ «اتاق تاریک» آماده نمایش در جشنواره فجر می‌شود / مراحل فنی جدیدترین ساخته روح‌الله حجازی با بازی ساعد سهیلی و ساره بیات به روزهای پایانی رسیده تا فیلم برای حضور در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر آماده شود **(پارسینما)**

■ نسخه اولیه فیلم سینمایی «کامیون» ساخته کامبوزیا پرتوی به دفتر سی و ششمین جشنواره فیلم فجر تحویل داده شد.**(خبرگزاری صبا)**

■ «مصادره» به کارگردانی مهران احمدی از معدود فیلم‌های کمدی در جشنواره فجر امسال است **(فیلمیران)**

■ فیلم سینمایی «دوباره زندگی» اولین ساخته بلند سینمایی رضا فهیمی، در حالی به مرحله ساخت موسیقی رسید که پیش‌بینی می‌شود نقش‌های متفاوت گلاب آدینه و شمس لنگرودی بازیگران این فیلم، در جشنواره فیلم فجر امسال با استقبال مخاطبان همراه شود.**(تسنیم)**

■ با توجه به تعدد فیلم‌های اجتماعی متقاضی حضور در جشنواره فیلم فجر برگزارکنندگان جشنواره سعی بر حضور آثار کمدی در میان فیلم‌های بخش مسابقه و تنوع آثار هستند.**(فارس)**

■ ستار اورکی موسیقی «دوباره زندگی» را ساخت/ آماده سازی برای جشنواره فیلم فجر**(کانال تحلیلی نگاتیو)**

■ فیلم «طلاقم بده به خاطر گربه‌ها» با نویسندگی و کارگردانی محمدعلی سجادی و تهیه کنندگی محمد رضا مصباح پس از طی مراحل فنی به پایان رسید و جهت نمایش تحویل دبیرخانه سی و ششمین جشنواره فیلم فجر شد**(فارس)**

■ داروغه‌زاده در مورد خبر «ارزیابی هیات سه نفره پیش از بررسی هیات انتخاب» در فضای مجازی، گفت: این خبر شایعه‌ای بیش نیست و آثار راه یافته به جشنواره توسط هیات انتخاب دیده می‌شود. **(باشگاه خبرنگاران جوان)**

■ تکذیب یک ادعای بی‌سند دیگر از یک رسانه ارگانی اصولگرا/ دبیر جشنواره سی و ششم فجر گفت: انتشار اخباری درباره برگزاری جشنواره در برج میلاد و تشکیل هیات سه نفره برای بازبینی آثار شایعه‌ای بیش نیست**(سینما مخاطب)**

■ محمدمهدی حیدریان رئیس سازمان سینمایی گفت: ما باید جشنواره فیلم فجر را به یک مسابقه واقعی نزدیک‌تر کنیم. همه ارکان ما باید به سمت حرفه‌ای شدن پیش بروند. یعنی منتقدان ما باید کسانی باشند که در طول سال در این حرفه فعالیت می‌کنند، خبرنگاران هم همین‌طور آنها باید تخصصی‌ترین افراد در حوزه سینما باشند. **(سینما سینما)**

■ ابراهیم داروغه‌زاده در بازدید از جشنواره سینماحقیقت گفت: هدف این است که ذائقه مخاطبان و رسانه‌ها را به سمت مستند سینمایی سوق دهیم. امیدوارم در سال آینده بخشی از اکران سینما به مستندهای سینمایی اختصاص پیدا کند. **(سایت سازمان سینمایی)**

■ دومین فیلم مونا زندی‌حقیقی که فیلمبرداری آن اواسط هفته جاری به پایان خواهد رسید، از «زنگاری» به «بنفشه آفریقایی» تغییر نام داد. فاطمه معتمدآریا و سعید آقاخانی بازیگران اصلی این فیلم هستند.**(سینماتیکت)**

■ هیئت مدیره جامعه صنفی تهیه‌کنندگان حضور سید جمال ساداتیان (نایب رییس) پوران درخشنده (عضو هیئت مدیره) و محمدهادی کریمی (عضو) اولین نهاد صنفی – مدنی تهیه‌کنندگی سینمای ایران در ترکیب هیئت انتخاب جشنواره فجر را به ایشان تبریک گفت.**(سایت جامعه صنفی تهیه‌کنندگان)**

■ رییس سازمان سینمایی در پاسخ به این پرسش که آیا فیلم‌های بخش مسابقه سی و ششمین جشنواره ملی فیلم فجر از ۲۲ عددی که در فراخوان آمده بیشتر می‌شود؟ عنوان کرد: بعید می‌دانم ۲۲ عنوان فیلم تغییر کند و فقط ممکن است دبیر جشنواره دو فیلم سینمایی مستند را به این تعداد اضافه کند.**(مهر)**

■ ابراهیم داروغه زاده دبیر سی و ششمین جشنواره فیلم فجر :فیلمسازانی که در بخش مسابقه پذیرفته شدند محدودیتی برای حضور در پردیس ملت در زمان برگزاری جشنواره ندارند. برای حرفه ای برگزار شدن جشنواره رسانه ها در کنار فیلمسازان فیلم ها را نقد و بررسی می کنند.**(شبستان)**

■ مزایا و معایب برگزاری سی و ششمین جشنواره فیلم‌فجر در پردیس ملت**(بانی‌فیلم)**

بولتن مجازی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر

فجرنامه

شماره دوم، جمعه ۱ دی ۹۶

زیر نظر روابط عمومی سی و ششمین
جشنواره فیلم فجر
www.fajrfilmfestival.com
@fajrfilmofficial
@fajrfilm36